

## واکاوی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد: مورد استان کردستان

انور شاهمحمدی<sup>۱\*</sup> و مهری بهمنی<sup>۲</sup>

A. Shahmohammadi<sup>1\*</sup> & M. Bahmani<sup>2</sup>

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۰۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱

Received Date: 2020/01/21

Accepted Date: 2020/08/27

### چکیده

**هدف:** حاضر باهدف مطالعه عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران در مدارس مناطق روستایی (کلاترزان و موچش) استان کردستان به انجام رسید.

**روش:** پژوهش از روش کیفی مبتنی بر نظریه داده بنیاد استفاده شد. افراد مشارکت‌کننده ۱۹ دانش‌آموز دختر که به‌صورت هدفمند و ملاک محور انتخاب بر مبنای شاخص اشباع نظری مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته بود. بعد از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌های کیفی و استخراج دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، محتوای متون مصاحبه‌ها بر اساس شیوه کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) تحلیل شد. برای اعتبار و روایی داده‌ها از دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور خبرگان غیر شرکت‌کننده در پژوهش استفاده شد.

**نتایج:** یافته‌های پژوهش از ۷ مقوله اثرگذار بر ترک تحصیل دختران روستایی حکایت دارد که شامل عوامل اقتصادی و معیشتی، عوامل محیط آموزشی، تعاملات معلم و شاگردان، ساختار معیوب خانواده، زمینه‌های فرهنگی و ارزشی، آسیب‌های تحصیلی و نگرش منفی به کارکرد سواد است، که در قالب عوامل علی، مداخله‌ای و زمینه‌ای راهبردها و پیامدها به‌صورت مدل نهایی ارائه شده است. لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به مشخص شدن علل و عوامل اصلی در رخداد ترک تحصیلی دختران روستایی، لازم است نظام آموزشی کشور و استان نسبت رفع علت‌ها و اجرا راهبردهای احصاء شده از این مدل اقدام نماید تا به پیامدهای مطلوب درزمینه‌ی جلوگیری از ترک تحصیل دختران روستایی برسد.

**کلیدواژه‌ها:** ترک تحصیل، دختران روستایی، دسترسی به آموزش، توسعه آموزشی، عدالت آموزشی.

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

\* نویسنده مسئول:

## مقدمه و بیان مسئله

کسب دانش، نقطه آغاز رشد و تکامل انسان‌ها و حرکت جوامع به سوی پیشرفت و توسعه پایدار است. به همین جهت در جوامعی که در دنیای امروز از نرخ تحصیلات کمتری برخوردارند با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند و حرکت آن‌ها به سوی پیشرفت کندتر است. یکی از معیارهای رشد و توسعه، باسوادی و توزیع مناسب امکانات و فرصت‌های برابر آموزشی در میان قشرهای مختلف اجتماع در راستای تحقق عدالت آموزشی است (Torani & Arefinejad, 2017). طبق اعلام وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۵، شمار کودکان ۶ تا ۲۱ سال که وارد نظام آموزشی نشده‌اند یا پس از مدتی کوتاه از آن خارج شده‌اند، بالغ بر ۲۱۶ هزار نفر است (Ministry of Education, 2017)، که به دلیل ماهیت مناطق روستایی که از شاخص‌های توسعه و رفاه به اندازه مناطق شهری بهره کافی و وافی نمی‌برند، دسترسی به سیستم آموزشی و ادامه تحصیل دختران یکی از چالش‌های پیش روی نظام آموزشی در مناطق روستایی ایران است (Sepidnameh et al, 2016). توجه به مناطق محروم برای بهبود شرایط عمومی دختران و زنان از اولویت‌های تمام جوامع است. به دلیل این‌که دختران باید فاصله زیادی تا رسیدن به نزدیک‌ترین مدرسه طی کنند، ادامه تحصیل پس از سپری کردن دوره ابتدایی مشکل بسیاری از دختران است (West, 2012). البته استراتژی‌هایی برای مواجهه با این معضل وجود دارند اما بسیاری از دختران همچنان از دسترسی به آموزش راهنمایی بازمی‌مانند چراکه راه‌حل‌های در نظر گرفته شده از نظر فرهنگی مناسب نیستند (Farzizadeh, Talibi & Motavasali, 2017). در حال حاضر در سطح ملی میزان انتقال از دوره ابتدایی به دوره راهنمایی برای پسران ۹۰ درصد و برای دختران ۸۰ درصد است. موانع فرهنگی همچنین دختران را از ادامه تحصیل بعد از دوره ابتدایی بازمی‌دارد. زنان نیز در مناطق روستایی با چالش‌هایی روبرو هستند. در مناطق شهری، میزان باسوادی زنان حدود ۸۲ درصد است در حالی که این میزان در مناطق روستایی نزدیک به ۶۲ درصد است (UNISEF, 2017). با توجه به اهمیت آموزش زنان و دختران، شناسایی عوامل مؤثر بر ناتمام ماندن تحصیلات این قشر می‌تواند راهگشای نسل‌های آینده باشد. سرمایه‌گذاری بر روی آموزش دختران نه فقط یک ضرورت اخلاقی است، بلکه یک امر بسیار مهم در توسعه کشور است (Shirkrami & Bakhtiyarpour, 2014). مطالعات نهادهای بین‌المللی اثبات کرده که سرمایه‌گذاری روی منابع انسانی از جمله سلامتی و آموزش زنان یکی از مهم‌ترین راهکارهای دستیابی به توسعه است. زیرا زنان، به‌عنوان یکی از دو ستون اصلی خانواده، از نظر تاریخی نقش پنهان مهمی در توسعه اقتصادی خانواده ایفا کرده‌اند (Banifatemeh, Mohammadi & Nozari, 2014). منطقی که پشت این یافته است می‌گوید: زنان تحصیل کرده و سالم، از توانایی بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های مؤثر، یافتن شغل و کسب درآمد بیشتر برخوردارند. زنان تحصیل کرده به احتمال بیشتری در آموزش فرزندان خود سرمایه‌گذاری می‌کنند و احتمالاً فرزندان کمتری خواهند داشت. در بسیاری جوامع، در ادراک همین امر بدیهی موانع فرهنگی متعددی وجود دارد. در خانواده‌های سنتی، دختران تنها به‌عنوان مادر و همسر شناخته

می‌شوند و تمایل چندانی برای سرمایه‌گذاری روی تحصیل آنان وجود ندارد. در جهان در حال توسعه از هر هفت دختر یکی، پیش از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کند و ازدواج زودهنگام و اجباری از مشکلات اساسی و مهمی است که زنان را از تحصیل و فعالیت‌های اقتصادی بازمی‌دارد. عوامل فرهنگی دیگری هم وجود دارد که حقوق و مشارکت زنان را محدود می‌کند. در برخی فرهنگ‌ها «مذهب» هنوز هم در تعیین هنجارهای جنسیتی نقشی کلیدی دارد. دیدگاه‌های مذهبی می‌تواند حقوق زنان به‌ویژه در ارتباط با جنس و جنسیت، تحرک و اشتغال را تهدید کند یا نادیده بگیرد. بنیادگرایی اقتصادی و سیاست‌ها و اقداماتی که سود را به افراد مرجع می‌داند نیز می‌تواند سبب نادیده گرفته شدن حقوق زنان شود (Pacra van, 2017).

آموزش دختران تأثیرات مهمی در جنبه‌های توسعه اجتماعی می‌گذرد، اگر فرض کنیم که سطح کیفی آموزش ابتدایی به فراگیری سواد حساب و مهارت‌های اساسی منجر می‌شود، دختران و زنان تحصیل کرده احتمالاً بیشتر در مدارس ثبت‌نام می‌کنند و در مقایسه با مادران بی‌سواد برای مدت طولانی‌تر به تحصیل خود ادامه می‌دهند. آموزش به زنان قدرت می‌بخشد و به مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و جامعه منجر می‌شود (Rodriguezmodron et al, 2015). آموزش برای دختران بیش از هر چیز آگاهی و دانش پایه‌ای فراهم می‌سازد تا در پرتو آن از حقوق خود به‌عنوان فرد و به‌عنوان شهروند ملت خود و جهان آگاه باشد. داشتن آگاهی، درآمد و قدرت تصمیم‌گیری می‌تواند زنان را در جایگاه هم‌تراز و مساوی با هم‌تای مذکر خود قرار دهد، در حالی که زنان و دختران که از سواد و آموزش کافی برخوردار نباشند نه اینکه قدرت تصمیم‌گیری ضعیفی دارند، در بعضی مواقع به دلیل اینکه سواد ندارند حتی حق اظهارنظر و تصمیم‌گیری ندارند (UNICEF, 2006). هرگونه تغییر و تحول سازنده‌ای بدون توجه کافی به پرورش نیروی انسانی کارآمد انجام‌شدنی نیست و نیروی کارآمد جهت توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تنها در سایه برابری آموزشی به بار خواهد نشست (Mashayekh, 1998). در راستای برابری آموزشی، برابری جنسیتی هدف مهمی است که ابزار دستیابی به توسعه محسوب می‌شود. به همین دلیل بانک جهانی می‌گوید سیاست‌ها و نهادهای توسعه بخش باید اطمینان حاصل کنند که تمامی بخش‌های جامعه -هم زنان، هم مردان- در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند؛ چه به‌طور مستقیم، چه از طریق نهادهایی که مدافع منافع و نیازهای آنان هستند (Shirkrami & Bakhtiyarpour, 2014). اما هنوز هم در سراسر جهان تبعیض‌های رایج و گسترده جنسیتی در فرصت‌ها، حقوق، نهادهای عمومی و دولتی و مشارکت و حضور، به‌ویژه توانایی زنان را از مشارکت تام در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بازمی‌دارد. غافل از اینکه خارج ماندن زنان و دختران از مشارکت همه‌جانبه، توانایی سیاست‌ها و نهادهای بخش عمومی برای مدیریت مؤثر منابع اقتصادی و اجتماعی را با محدودیت روبه‌رو می‌کند. جهان بی‌تردید نقش بی‌بدیل زنان را در فرآیند توسعه پذیرفته است و با تمام توان تلاش می‌کند ضمن سرمایه‌گذاری روی این سرمایه انسانی ارزشمند، موانع پیش روی آن برای مشارکت در تمام عرصه‌ها را از میان بردارد. کشورهای موفق،

ضرورت مشارکت زنان را به عنوان یکی از الزامات توسعه پایدار و متوازن پذیرفته‌اند و درصدد تسهیل این مشارکت هستند. با این همه سالانه بخش قابل توجهی از دختران که زنان آینده هستند، از تحصیل بازمی‌مانند. زنانی که به خودباوری و دگر باوری آن‌ها نیازمند ادامه تحصیل است تا جایگاه واقعی خود را در فرآیند توسعه پیدا کنند (Asadzadeh et al, 2017).

### مبانی نظری و تجربی پژوهش

مبانی نظری هر موضوعی با توصیف و تشریح مفروضات، مفاهیم و اصول آن موضوع شکل می‌گیرد و حدود و ثغور آن‌ها مشخص می‌نماید (Aydemirozkeskin & Aydın Akkurt, 2015). نظریه‌های گوناگونی از چشم‌اندازهای مختلفی به تبیین نقش‌های جنسیتی پرداخته‌اند که ضمن بهره‌گیری از آن‌ها، در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. نظریه «زنان در توسعه»<sup>۱</sup> در اوایل دهه ۱۹۷۰، به منظور بهبود وضعیت آموزش، فرصت‌های اشتغال، مشارکت سیاسی و رفاه اجتماعی مطرح شد. در دهه ۱۹۸۰ دیدگاه «جنسیت و توسعه»<sup>۲</sup> مطرح شد، تا ارتباط میان ساختار خانواده و ساختارهای عمومی را بررسی کند. در این دیدگاه‌ها به ابعادی مانند برابری در پایگاه قانونی، دسترسی به منابع و خدمات، فرصت مساوی در آموزش و اشتغال مورد توجه قرار گرفت (Walby, 2005). از این به بعد واژه «جنسیت» جایگزین زنان شد تا نشان دهد برای توسعه تمرکز بر هر دو جنس ضروری است. برابری جنسیتی و اعلام و تمرکز بر هدف تحقق آن برای نخستین بار به شکل رسمی در کنفرانس پکن (۱۹۹۵) مطرح شد (Amenaghahi & Moshtaghyan, 2014). از دیگر نظریه‌های متداولی که در مواجهه با تداوم فقر و تبعیض جنسیتی علیه زنان مطرح شده است، نظریه توانمندسازی است. این نظریه بر این نکته تأکید دارد که زنان نه تنها باید نابرابری‌های موجود، بلکه ساختارهای مولد نابرابری را در سطوح گوناگون و هم‌زمان زیر سؤال ببرند و با آن مبارزه کنند (Rostami et al, 2014). پس از آن کشورهای عضو را ملزم کرد «برابری جنسیتی» و «توانمندسازی زنان» را به عنوان شیوه‌های کارآمدی برای مبارزه با فقر، گرسنگی، بیماری و در نهایت تحقق توسعه پایدار ارتقا بخشند (Shirzadi & Shirvani, 2013).

بی‌توجهی والدین و درعین حال بی‌سوادی [یا کم‌سوادی به مفهوم ناآگاهی] و غفلت آن‌ها از اهمیت آموزش و سواد و بی‌توجهی جامعه نسبت به فرآیند آموزش و برنامه‌های مدرسه، مختلط بودن هر دو جنس، معلمان مرد، فقر مالی خانواده، نگرش جامعه و والدین نسبت به تحصیل دختران و نامناسب بودن مواد آموزشی جهت یادگیری و شکوفایی خلاقیت و کمبود دبیران مجرب و دلسوز و عدم پیشگیری‌های منظم و به موقع در موارد مختلف حضور دانش‌آموزان در آموزشگاه موجب شکست و ترک تحصیل آن‌ها می‌گردد (Sahin et al, 2016). ترک تحصیل هرساله خسارت‌های فراوانی بر خانواده

1. Woman In Development

2. Gender and Development

و دولت تحمیل می‌کند و همچنین مشکلات عاطفی و روانی زیادی را به دنبال دارد که دختران همیشه احساس حقارت و عدم استقلال و خودکم‌بینی می‌کنند و در زندگی اجتماعی دچار مشکلات زیادی می‌شوند (Arefi, 2004). آمارهای مختلف نشان می‌دهد که ترک تحصیل یکی از معضلات آموزش در جهان است. امروزه ترک تحصیل در تمام کشورهای جهان به‌عنوان یک پدیده جهانی مطرح است. شواهد حاکی از آن است که دانش‌آموزان زیادی در مقاطع مختلف تحصیلی در حال ترک مدرسه‌اند (Abid, Mohd & Afa, 2014). که میزان ترک تحصیل‌ها در هر سال در میان دختران بیش از پسران است. زنان به‌عنوان نیمی از سرمایه‌های کشور در طول سال‌های متمادی همواره مورد نابرابری‌هایی قرار گرفته‌اند. به‌صورتی که در تمام کشورها علی‌الخصوص در نقاط محروم و روستایی عملاً از توانایی فکری و استعداد دختران کمترین استفاده شده است. عدم توجه به این توانایی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته محرزتر است (Melissa, 2015).

به‌رحال در راستای شناسایی و معرفی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر در ترک تحصیل دختران روستایی، تلاش شد تا مجموع مطالعات مرتبط با این حوزه مورد نقد و بررسی قرار بگیرند؛ مطالعاتی که به لحاظ کثرت، متعدد اما پراکنده‌ای بودند. تأملی بر این مطالعات نشان می‌دهد که دیدگاه جامعی در مورد ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی وجود نداشته است و هر محقق و اندیشمندی از منظر خاصی به این مؤلفه‌ها اشاره کرده است. درواقع یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در بررسی این موضوع، تعدد عوامل و متغیرهای مؤثر و دخیل در این زمینه و دسته‌بندی‌های مختلف و متنوعی است که از زوایای گوناگون و بنا به موقعیت‌های فرهنگی و بومی متفاوت از این عوامل صورت گرفته است. نتایج پژوهش (Farokhinejad & Fathi, 2018) با بررسی علل ترک تحصیل دانش‌آموزان دبستانی دخترانه روستایی نشان داد که بی‌سوادی والدین، وضعیت اقتصادی ضعیف خانواده‌های دانش‌آموزان و بعضی فرهنگ‌های بومی منطقه مثل ازدواج زودهنگام دختران علل اصلی ترک تحصیل دانش‌آموزان است. (Sekiya & Ashida, 2017) با تجزیه و تحلیل الگوهای بازنشستگی مدارس ابتدایی در هندوراس نشان دادند که انتظارات کم آموزش و نیاز به ورود به بازار کار، از علل ترک تحصیل بوده است. (Sahin et al, 2016) در تحقیقی با عنوان علل غیبت‌گرایی و ترک تحصیل دانش‌آموزان در ترکیه نشان دادند که عواملی از قبیل روابط فرزندان و والدین در خانواده، مشکلات اقتصادی و مشکلات درون خانواده در ترک تحصیل دانش‌آموزان مؤثر هستند. (Ada & Anyaogu, 2016) با مطالعه رکود اقتصادی، و افت تحصیلی دانش‌آموزان در پنج ایالت شرقی نیجریه دریافتند که رکود اقتصادی منفی بر ثبت‌نام مدارس تأثیر می‌گذارد و بسیاری از دانش‌آموزان را از مدرسه بیرون کرده و آن‌ها را به خیابان‌ها می‌کشاند. (Shahidul & Zehadul Karim, 2016) عوامل ترک تحصیل دختران را به هدف شناسایی و ارائه مدل مفهومی برای ترک تحصیل دختران از مدرسه نشان داده است که عوامل اقتصادی، خانوادگی، مدرسه، و عوامل فرهنگی و باورهای مذهبی در ترک تحصیل دختران مؤثر بوده است. (Farazizadeh et al, 2016) در بررسی موانع تحصیل دختران روستایی در قالب پژوهشی کیفی، دریافتند که مجموعه‌ای

از عوامل مانند عدم باور والدین به ضرورت تحصیل یا ادامه تحصیل دختران، تأکید بر ازدواج زودهنگام دختران، گسترش شایعات مردم به سبب خروج دختران از منزل در تصمیم‌گیری برای تحصیل دختران روستایی مؤثر است. (Sepidnameh et al (2016) در مطالعه کیفی باهدف شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان (نواحی روستایی) دریافتند که چالش‌های اقتصادی، باورهای خاص فرهنگی، کژسامانی خانواده، فضای نامناسب مدرسه و عوامل متأثر از آن در ترک تحصیل دانش‌آموزان پسر و دختر مؤثر بوده است. نتایج پژوهش (Jana et al (2014) نشان داد که مقاومت والدین و عدم توجه کافی به درس خواندن دختران به اندازه پسران از جمله علل ترک تحصیل دختران در کشور بنگال بوده است. پژوهش (Guoda (2014) نشان داد که ترک تحصیل در دانش‌آموزان با والدین بی‌سواد، چهار برابر بیش از بچه‌های با والدین باسواد است. (Gul & Ali (2014) فقر اقتصادی، بی‌سوادی، ناتوانی والدین و بیکاری در بین عامه مردم را از علل اصلی ترک تحصیل عنوان کرده است. (Ghavidel & Darwishi (2013) در پژوهش با محور اثر توسعه انسانی برافرت تحصیلی دانش‌آموزان نشان دادند که «شاخص توسعه انسانی» تأثیر منفی و قابل توجهی برافرت تحصیلی مردان و زنان دارد. اگر درآمد سرانه را نیز به عنوان شاخص معکوس فقر اقتصادی در نظر بگیریم، کاهش فقر (افزایش درآمد سرانه) باعث کاهش افت تحصیلی نیز می‌شود. همچنین افزایش بعد خانوار موجب افت تحصیلی در بین تمام دانش‌آموزان (مرد و زن) می‌شود. (Aqdasi & Zinal Fam (2012) در بررسی عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های میاندوآب، نشان دادند که عوامل محیطی، خانوادگی، اقتصادی، عوامل مربوط به مدرسه، تأثیر گروه همسالان بازمانده از تحصیل بیشترین نقش را در ترک تحصیل دختران داشته است. (Joubish et al (2011) در تحقیق خود عواملی از قبیل فقر، بی‌سوادی والدین، عدم انگیزه در بین بچه‌ها، مشکلات یادگیری، فقدان برنامه‌های فوق برنامه و محیط مدرسه را از دلایل ترک تحصیل در مدارس ابتدایی پاکستان را بر می‌شمارد.

در تحقیقی (Obeng-Denteh & Amedeker (2010) خود در کشور گینه به عواملی مانند ازدواج زودهنگام، روابط غیراخلاقی اشاره کرده است. استان کردستان به عنوان یکی از استان‌های مرزی و توسعه نیافته واقع در غرب کشور است که ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی خاص خودش را دارد. از جمله مسائل آموزشی در اکثر مناطق روستایی آن که در حال حاضر مسئله ترک تحصیل دختران در این مناطق است. بر اساس مصاحبه‌های انجام شده معاونان آموزش ابتدایی و متوسطه با خبرگزاری‌های داخلی، به رغم بهبود چشمگیر وضعیت آموزشی دختران در سال‌های اخیر هنوز ۲ تا ۵ درصد از دختران به مدرسه راه نمی‌یابند یا زودتر از موعد مقرر ترک تحصیل می‌کنند (Irna.ir, 2018) که نشان از عواملی است که در ارتباط ترک تحصیل دختران روستایی وجود دارند. با مرور نتایج مطالعات انجام شده این خلأ نمایان می‌گردد که این دسته تحقیقات چارچوب و مبانی نظری خاص را مدنظر نداشته‌اند و بنا به موقعیت‌های فرهنگی و بومی خاص آن مناطق صورت گرفته است

که قابل تعمیم به سایر مناطق نیست. این تحقیقات بیشتر به موانع آن اشاره کرده‌اند. از سوی دیگر به لحاظ روش‌شناسی، پژوهش‌های قبلی از تحقیق کیفی برای مطلع شدن از دیدگاه‌های دختران روستایی استفاده کرده اما رویکرد آن‌ها مشخص نبوده است. درحالی‌که در روش کیفی محقق این فرصت را دارد که با افراد درگیر در پدیده از نزدیک ملاقات کرده و به نکاتی برسد که از قبل مورد توجه نبوده است. همچنین در تحقیق حاضر تلاش می‌شود برخلاف تحقیقات قبلی با رویکرد جدیدی به موضوع بپردازد و به ارائه یک مدل پارادایمی از عوامل مؤثر بر ترک تحصیل برسد. بنابراین، با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در مطالعات قبلی، پژوهش حاضر با در نظر گرفتن تمامی موانع مربوطه و با بهره‌گیری از رویکرد کیفی مبتنی بر نظریه داده بنیاد به منظور مطلع شدن از دیدگاه دختران روستایی، بتواند گامی اساسی در جهت کشف ابعاد و مؤلفه‌های موضوع حاضر بردارد و به سؤالات اساسی زیر پاسخ دهد:

۱. از دیدگاه دختران ترک تحصیل کرده روستایی مؤلفه‌های مؤثر بر ترک تحصیل آن‌ها کدام‌اند؟
۲. الگوی مفهومی مناسب برای جلوگیری از ترک تحصیل دختران روستایی چیست؟

### روش‌شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر، برای دستیابی به توصیف اجمالی از تجربه‌ها، نگرش‌ها و ادراک مصاحبه شونده‌ها نسبت به عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی، از روش پژوهش کیفی و به‌طور خاص از راهبرد نظریه داده بنیاد (Strauss & Corbin 1990) استفاده شده است. دلیل به‌کارگیری روش کیفی، وجود ضعف در پیشینه نظری و تجربی تحقیق می‌باشد. مشارکت‌کنندگان در پژوهش دختران ترک تحصیل کرده راهنمایی و متوسطه در سال ۹۶-۹۷ در روستاهای منطقه کلاترزان و موجش است که دلیل انتخاب آن‌ها به‌عنوان جامعه پژوهش، این معیار بود که به‌واسطه تجربه ترک تحصیل، همگی آن‌ها ارتباط ملموس‌تر و نزدیک‌تری با عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران داشتند؛ بنابراین، با تکیه بر تجارب و دیدگاه‌های آن‌ها می‌توان شناخت واقع‌بینانه‌تری از این عوامل داشت. به این منظور برای سنجش نظرات اعضای نمونه مورد نظر از روش نمونه‌گیری ملاکی و هدفمند استفاده شد. ملاک انتخاب هم عمدتاً داشتن تجربه ترک تحصیل و سپس انتخاب هدفمند مواردی بود که داوطلبانه حاضر به مشارکت در پژوهش بودند. از آنجاکه در نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی تعداد افراد نمونه را با معیار اشباع نظری تعیین می‌کنند، بدین معنا که زمانی محقق به این نتیجه برسد که انجام مصاحبه‌های بیشتر و مشاهده، اطلاعات بیشتری در اختیار وی نمی‌گذارد و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، در این حالت محقق گردآوری اطلاعات را متوقف می‌کند. براین اساس تعداد نمونه مورد مطالعه برحسب رسیدن به اشباع نظری داده‌ها، ۱۹ نفر بودند و فرآیند انتخاب مشارکت‌کنندگان تا حصول به اشباع نظری ادامه داشت. ابزار پژوهش شامل مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته به‌منظور کسب اطلاع از نظرات مشارکت‌کنندگان مورد مطالعه استفاده شده است. مصاحبه با یک سؤال وسیع و کلی مانند « علت ترک

تحصیل شما چه بوده است» و سپس سؤالات اکتشافی مثل «لطفاً در این مورد بیشتر توضیح دهید» جهت تشویق مشارکت‌کنندگان و دستیابی به اطلاعات عمیق‌تر پرسیده شد. از آنجا که جامعه مورد مطالعه دختران بودند جهت تشویق به همکاری و جلوگیری تعصبات پدران و خانواده‌ها از مصاحبه‌کننده خانم استفاده شد. مدت مصاحبه از ۲۰ تا ۶۰ دقیقه متغیر بود. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری‌های سه‌گانه استفاده شد. ابتدا جهت درک معنی، هر مصاحبه چندین بار خوانده شد. سپس جملات مهم مشخص گردید و برای استخراج معنی از این جملات مهم تلاش شد تا کدهای استخراج شده در دسته‌بندی‌های خاص موضوعی قراردادده شود. سپس معانی فرموله شده و مرتبط به هم در قالب مقوله‌ها قراردادده شد تا نتایج در قالب توصیفی جامع از موضوع مورد پژوهش (علت ترک تحصیل دختران روستایی) تلفیق گردد. در پایان به منظور بررسی روایی نهایی به دو شیوه اقدام گردید، نخست یافته‌ها با برخی از شرکت‌کنندگان در میان گذاشته شد و دوم برای اطمینان از پایایی این فرایند، از شیوه بازنگری اساتیدی که تجربه کار کیفی (داده بنیاد) را داشتند جهت بررسی پارادایم کدگذاری‌های سه‌گانه، و اعمال نظر آن‌ها در تدوین مدل استفاده شد.

### یافته‌ها

#### ۱. از دیدگاه دختران ترک تحصیل کرده روستایی مؤلفه‌های مؤثر بر ترک تحصیل آن‌ها کدامند؟

برای پاسخ به سؤال فوق ابتدا به یافته‌های حاصل کدگذاری ابتدایی و مفاهیم اولیه که نمونه از آن در جدول ۱ اشاره شده است در نهایت در جدول ۲ یافته احصاء شده از کدگذاری‌های سه‌گانه منجر به شناسایی و بازنمایی ۷ مقوله محوری و ۳۸ مؤلفه مؤثر بر ترک تحصیل کرده دختران روستایی، شد. در ادامه به شرح این نتایج اشاره شده است:

جدول ۱. نمونه‌هایی از کدبندی با روایت افراد، مفاهیم و مقولات عمده

مقوله محوری	کد اولیه	روایت افراد
چالش‌های اقتصادی و معیشتی	فقر مالی	به علت فقر اقتصادی شدید و ناتوانی در پرداخت هزینه‌های تحصیلی از سوی پدرم من مجبور به ترک تحصیل و بافتن قالی شدم.



جدول ۲. کدگذاری باز، مقوله‌های محوری و مرکزی

مقوله مرکزی	مقوله‌های محوری	کدگذاری‌های باز	
دگرگونی تحصیل دختران روستایی	چالش‌های اقتصادی و معیشتی	فقر مالی / ناتوانی رفع نیازهای معیشتی / ناتوانی تأمین هزینه‌های تحصیلی / فصلی بودن درآمد خانواده / نداشتن مقرری ثابت و ماهیانه / تکیه کردن بر نیروی انسانی دختران / عدم بهره‌مندی از پوشش نهادهای حمایتی	
	محیط آموزشی	نبود مدرسه راهنمایی در روستایی / نبود سرویس‌های ایاب و ذهاب / مختلط بودن کلاس‌ها / وجود مخاطرات ایاب و ذهاب / مزاحمت‌های پسران،	
	تعاملات معلم و شاگردان	رفتار نامناسب معلمان و همکلاسی‌ها در صورت افت تحصیلی / جابجایی معلمان / تغییر یا جابجایی محیط تحصیلی / وجود همسالان مدرک گرفته بیکار / عدم علاقه به ادامه تحصیل / وجود معلمان مرد و گاهی مجرد / دوری مسافت مدرسه و خانه.	
	ساختار کارکردی معیوب خانواده	بیماری مادر خانواده / ضعف نظارت والدین / بی‌سوادی والدین / فوت یا فقدان یکی از والدین / نبود فرزند ذکور در خانواده / کهولت سن والدین / فراوانی جمعیت خانواده.	
	آسیب‌های تحصیلی	غیبت‌های مکرر / ضعف شدن پایه تحصیلی / عدم علاقه به درس خواندن / سرزنش‌های والدین و نظام مدرسه.	
	زمینه‌های فرهنگی و ارزشی	ضعف نظارت والدین / توجه به ارجحیت داشتن نقش خانه‌دار بودن دختران / ارجحیت ازدواج بر ادامه تحصیل / عدم اجازه به ادامه تحصیل فرزندان دختر در روستایی‌های اطراف / بلوغ زودرس / تابوی وجود معلمان مرد / ترس از مخاطرات	
	زمینه‌های فرهنگی و ارزشی	اخلاقی ناشی از مختلط بودن دختران و پسران / تلقی دختر به‌عنوان زن.	
	نگرش منفی به کارکرد سواد	ترویج بی‌فایده‌گی درس خواندن / ترویج بسندگی تحصیلات در مقاطع بالاتر / ترویج الگوی ترک تحصیل.	
	تعداد مقولات: ۷	جمع مفاهیم اولیه: ۳۸	

## \* عوامل علی

## مقوله چالش‌های اقتصادی و معیشتی

این مقوله که متشکل از عوامل بازدارنده اقتصادی و فقر مالی شامل ناتوانی اولیاء در تأمین هزینه‌های تحصیلی، رفع نیازهای معیشتی خانواده، فصلی بودن درآمد خانواده، نداشتن مقرری ثابت و ماهیانه، تکیه کردن پرنیروی انسانی دختران مانند نیاز مادران به کار دختران در امور خانه‌داری از جمله نگهداری از فرزندان کوچک خانواده، نیاز خانواده به کار اقتصادی دختران در فعالیت‌های دامداری، کشاورزی، قالیبافی و صنایع دستی، از جمله عواملی است که تحت نام چالش‌های اقتصادی نام‌گذاری و به‌عنوان عوامل علی شناسایی شده است. اکثریت به‌اتفاق مصاحبه‌شوندگان به این مقوله به شکل‌های مختلف اشاره کردند، که سبب ترک تحصیل دختران شده است. طبق گفته شرکت‌کننده شماره ۱۱:

" به علت فقر اقتصادی شدید و ناتوانی در پرداخت هزینه‌های تحصیلی از سوی پدرم من مجبور به ترک تحصیل و بافتن قالی شدم. پدرم اصلاً وضعیت اقتصادی خوبی ندارد و معتقد است که درس خواندن برای من آینده نمی‌شود و مرا مجبور به بافتن قالی کرد، زیرا معتقد بود که قالی بافتن نوعی کمک به درآمد خانواده است و چون خانواده ما خانوادگی پرجمعیتی است و وضعیت کشاورزی و درآمدی ما هم خوب نیست پدرم می‌گوید که پسرها باید در کار کشاورزی کمک کنند و دخترها هم در خانه قالی ببافند که کمک‌خرج خانه باشند و سواد برای دختران تا حدی که بتوانند اسم خودشان را بنویسند و بخوانند کافی است".

شرکت‌کننده شماره ۹ ادامه می‌دهد:

"پرجمعیت بودن خانواده من باعث شد که من ترک تحصیل نمایم. چون تعداد افراد زیاد است. دوتا برادرم از همه ما چهارخواهر کوچک‌تر هستند و یکی از آن‌ها کلاس اول ابتدایی و دومی هنوز سه سال دارد. خواهرانم که از من بزرگ‌تر هستند یا درس نخواندند یا مثل من تا پنجم ادامه دادند. پدرم نمی‌تواند هزینه‌های تحصیلی مرا تقبل کند".

مشکلات مختلف معیشتی و اقتصادی که به شکل‌های گوناگون به آن اشاره شد، در بروز سایر مشکلات معیشتی خانواده تأثیر اساسی دارد که خود مستقیم یا غیرمستقیم بر ترک تحصیل دختران نیز اثرگذار بوده است.

## \* عوامل مداخله‌گر

## ۱- مقوله محیط آموزشی

مقوله فوق که به‌عنوان عوامل مداخله‌گر موردنظر است؛ دلالت بر مسائلی دارد که در درون چارچوب فضای آموزشی اتفاق می‌افتد. مؤلفه‌های مانند؛ نبود مدرسه راهنمایی در روستا، نبود سرویس‌های ایاب و ذهاب، مختلط بودن کلاس‌ها، وجود مخاطرات ایاب و ذهاب و درنهایت مزاحمت پسران از زیر

مؤلفه‌های این مقوله است. این علل از جمله عوامل مؤثر و سرنوشت‌ساز در ترک تحصیل بسیاری از دختران روستایی بوده است. در بعضی از مناطق روستایی فاصله روستاها از همدیگر یا بخش مرکزی از هم زیاد است و این می‌تواند برای ادامه تحصیل دختران روستایی مشکلاتی را به وجود بیاورد که منطقه مورد بررسی (کلاترزان) از این فائده مستثنی نیست. اگرچه پسران از این نظر تا حدی راحت‌تر هستند و می‌توانند برای ادامه تحصیل به روستاهای مجاور به صورت پیاده‌روی بروند و اما این امکان برای دختران وجود ندارد. مخصوصاً در فصول سرد سال نیز می‌تواند مشکلات و خطراتی را برای آن‌ها ایجاد کند. از طرفی به دلیل نبود خوابگاه شبانه‌روزی در مرکز بخش، برخی از دختران امکان ادامه تحصیل را از دست می‌دهند. شرکت‌کننده شماره ۸ علت ترک تحصیل خود را دوری راه و سختی‌هایی که از این بابت متحمل می‌شده عنوان کرده است و بیان می‌دارد:

"مسافت طولانی و بعضی وقت‌ها نبود وسیله ایاب و ذهاب در روستاها یا دوری روستا از جاده اصلی که امکان پیاده‌روی برای ما وجود نداشت. تازه این پیاده‌روی یک روز و دو روز نبود و در روزهای بارانی و برفی این کار برای ما خیلی سخت می‌شد. همچنین بعضی وقت‌ها خرابی وسیله نقلیه موجود در روستا در این روزها امکان رفتن به مدرسه را برای ما سخت می‌کرد و مجبور به ترک تحصیل شدیم."

برخی از مصاحبه‌شونده از کلاس‌های مختلط ناراضی هستند و بر این باور هستند که کلاس‌های مختلط و آن‌هم برای کلاس‌های پنجم و ششم خوب نیست؛ و معتقدند که این‌ها آن‌قدر بزرگ‌شده‌اند و خیلی چیزها را می‌فهمند. مثلاً مصاحبه‌شونده شماره ۴ بدین شکل بیان می‌نماید:

"وقتی دختران و پسران به کلاس ششم می‌رسند دیگه بزرگ شدن و خیلی از چیزها را می‌فهمند. بعضی از آنها در کلاس آواز می‌خوانند و یا می‌رقصند و یا چیزهای شرم‌آوری بیان می‌کنند."

یافته‌ها نشان می‌دهد که در غالب مدارس این مناطق عمدتاً به خاطر کم بودن تعداد دانش‌آموزان و یا مهم‌تر نبود فضای کافی، مدارس ابتدایی مختلط است و برای دخترها و پسرهای که در سن بلوغ هستند فضای مناسبی نیست.

## ۲- مقوله تعاملات معلم و شاگردان

مقوله دیگری که به‌عنوان عامل مداخله‌گر نام‌گذاری شده است، دلالت بر تعاملات بین معلم و شاگردان و شاگردان با یکدیگر است. به عبارتی این مقوله شامل زیر مؤلفه‌های مانند؛ رفتار نامناسب معلمان و همکلاسی‌ها در صورت افت تحصیلی، جابجایی معلمان، تغییر یا جابجایی محیط تحصیلی، وجود همسایه‌های مدرک گرفته و بیکار، عدم علاقه به تحصیل و وجود معلمان مرد و گاه‌ها مجرد، می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر این مقوله کلیه روابط عاطفی و تعاملات خاص را بین معلم با شاگردان و شاگردان با شاگردان را در برمی‌گیرد. دانش‌آموزان مقطع ابتدایی که بین ۶-۱۱ سالگی به سر می‌برند، اینان معلم خود را الگوی مهمی می‌دانند و انتظار دریافت انواع روابط و تعاملات پدر و فرزند را از معلمان دارند.

همچنین حساسیت سنی و شکنندگی روحی این سنین در این مقطع می‌تواند از آنان دانش‌آموزانی با شوق و برعکس دانش‌آموزانی منزوی بسازد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که عدم پیشرفت تحصیلی و مردودی، محرکی قوی برای ترک تحصیل بوده است. احساس شرمندگی که مصاحبه‌شوندگان از افت تحصیلی در قبال معلم و همکلاسی‌های خود داشتند انگیزه تحصیلی را از دختران روستایی می‌گیرد و تمایل آن‌ها به ترک تحصیل بیشتر می‌شود. شرکت‌کننده شماره ۱۴ علت ترک تحصیل خود را در این مورد این‌گونه بیان می‌دارد:

" درس‌هایم تا کلاس سوم خوب بود. همه من را دوست داشتند. اما همین‌که به کلاس‌های بالاتر آمدم درس‌ها سخت شد و من خیلی از آن‌ها را زیاد متوجه نمی‌شدم و اگه کمک معلم نبود شاید من قبول نمی‌شدم. وقتی به کلاس پنجم رسیدم تجدید زیاد آوردم. همه من را مسخره می‌کردند و بعضی وقت‌ها معلم نیز من را مسخره می‌کرد. دیگه دوست نداشتم به مدرسه برم چون احساس خجالتی می‌کردم."

### ۳- مقوله ساختار معیوب خانواده

در این پژوهش ساختار معیوب خانواده به‌عنوان عوامل مداخله‌گر مورد شناسایی قرار گرفت. این مقوله به کلیه آسیب‌ها، مشکلات درون خانواده و به‌طورکلی آنچه موجب اختلال در کارکرد خانواده، می‌شود مانند؛ بیماری مادر خانواده، ضعف نظارت خانواده، بی‌سوادی والدین، فوت یا فقدان یکی از والدین، نبود فرزند ذکور در خانواده، کهولت سن والدین و فراوانی جمعیت خانواده را شامل می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۶ علت ترک تحصیل خود را ناتوانی در کمک به مادر مریضش عنوان کرده است و بیان می‌دارد:

" روستای ما فقط تا پنج ابتدایی مدرسه دارد و برای ادامه تحصیل باید به روستاهای اطراف یا بخش مرکزی برویم. این برای من سخت است، چون بعد از مدرسه من باید در کارهای خانه به مادرم کمک می‌کردم. اخه مادرم کم‌مردد دارد. اما اگر برای ادامه تحصیل به شهر بروم دیگر نمی‌توانم مثل همیشه به او کمک کنم و این کار باعث شد که ترک تحصیل کنم."

### \*عوامل زمینه‌ای

#### مقوله عوامل فرهنگی و ارزشی:

عوامل زمینه‌ای یک سری خصوصیات ویژه‌ای است که به پدیده‌هایی دلالت می‌کند. در این تحقیق عوامل فرهنگی و ارزشی یکی از آن عوامل‌هاست که بر ترک تحصیل دختران دلالت دارد. شیوه نگاه به جهان و درک محیط اجتماعی حاصل باورها و اعتقادات است. برخی از مفاهیم این مقوله عبارت‌اند از: توجه به ارجحیت داشتن نقش خانه‌دار بودن دختران، ارجحیت ازدواج بر ادامه تحصیل، عدم اجازه به ادامه تحصیل فرزندان دختر در روستای‌های اطراف، بلوغ زودرس، تابوی وجود معلم مرد، ترس

از مخاطرات اخلاقی ناشی از مختلط بودن دختران و پسران، تلقی دختر به عنوان زن. دختران این مناطق معتقدند ناآگاهی و بی‌سوادی والدین موجب عدم درک و انجام وظایف درسی و برنامه‌های آن و تداوم حضور مرتب شاگرد در مدارس می‌گردد و مشکلات زیادی برای ادامه تعلیم شاگرد فراهم می‌کند، هم‌چنان از نظر ناتوانی در کمک اکتشاف فکری و عملی به امور برنامه درسی شاگردان در منزل از ادامه تعلیم فرزندان آن‌ها می‌کاهد. شرکت‌کننده شماره ۷ خاطرنشان ساخت:

" ترک تحصیل من به دلیل سطح پایین فرهنگ و سواد والدین و داشتن تفکر سنتی اطرافیان من برمی‌گردد. به دلیل جمعیت زیاد خانواده و فقر سواد والدین نمی‌توانند به وضع درسی ما رسیدگی کنند و نظارت لازم را بر اوضاع درس و مدرسه ما ندارند و این عامل انگیزه لازم را برای ادامه تحصیل از من می‌گیرد."

فقر فرهنگی می‌تواند شامل کم‌سوادی و بی‌سوادی اهالی و والدین و تفکر سنتی آن‌ها، نگرش سنتی والدین نسبت به تحصیل دختران، بی‌توجهی و درک محدود اولیاء از تحصیل دختران باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۲ بیان می‌دارد:

" بعضی از دوستان من خانواده آن‌ها کم‌جمعیت هستند و فقط یک یا دو فرزند دارند، بنابراین امکان رسیدگی بهتری بر وضعیت تحصیلی آن‌ها دارند و به علت سطح سواد بالاتر والدین، ارتباط بیشتری با معلمان دارند و انگیزه‌ی بیشتری را در فرزندان برای ادامه تحصیل ایجاد می‌کند."

#### \* راهبردها (استراتژی)

#### مقوله آسیب‌های تحصیلی

آسیب‌های تحصیلی ایجادشده تحت عوامل ذکرشده باعث عکس‌العمل کنشگران در قبال آن شرایط می‌شود. این مقوله که به‌عنوان راهبرد یا تعامل‌ها شناسایی و تعیین شده است، دلالت بر کنش‌ها و رفتارهای خاص نسبت به شرایط است. مؤلفه‌های این مقوله مشتمل بر غیبت‌های مکرر، ضعیف شدن پایه تحصیلی، عدم علاقه به درس خواندن و سرزنش‌های والدین و نظام مدرسه، می‌باشد. ضعف پایه تحصیلی که منجر به عدم علاقه به ادامه درس خواندن می‌شود را برخی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌داند. مصاحبه شماره ۱۹ و ۱۷ اظهار می‌دارند:

" به کلاس پنج که رسیدم درس‌هایم خیلی سخت شد. هر چه می‌خواندم کمتر یاد می‌گرفتم. وقتی پدرم فهمید گفت هر طوری شده پنجم را تمام کن اما برای کلاس هفتم اجازه نمی‌دهم. چون فایده‌ای ندارد."

" انجام کارهای خانه نمی‌گذاشت درس بخوانم. تا کتاب‌باز می‌کردم من را صدا می‌زدند که فلان کار را انجام بده. درس‌هایم خیلی ضعیف شد. از ترس اینکه معلمان از من بپرسند خودم را به مریضی می‌زدم و مدرسه نمی‌رفتم. کم‌کم از مدرسه رفتن می‌ترسیدم و درنهایت نسبت به مدرسه بی‌علاقه شدم."

ضعف پایه تحصیلی و عدم احراز صلاحیت‌های لازم برای ارتقای تحصیلی، ناشی از این موضوع سیستم آموزشی را در وضعی قرار داده است که دانش‌آموزان نباید مردود شوند. ضمن مصاحبه با یکی از دخترآن که کلاس پنجم را تمام کرده بود. پدرش اظهار داشت که دخترم کلاس پنجم را تمام کرده و خیلی وقت‌ها معلوم می‌شود که جملات ساده تلویزیون را هم بلد نیست بخواند و وقتی که از دختر دلیل را پرسیدم این‌گونه اظهار داشت:

" ما وقتی که چیزی را بلد نبودیم معلم به ما می‌گفت که غلط‌ها را پاک کن و درست‌ها را با اشاره به ما می‌گفت که از روی دوستان بنویسیم."

مصاحبه‌های فوق و سایر بیانات مصاحبه‌شوندگان، بیان‌کننده بی‌علاقگی به درس و مدرسه، عدم توجه به توانایی‌های فردی آن‌ها، غیبت و ضعف پایه تحصیلی، نشان‌دهنده وجود برخی آسیب‌های آموزشی است که تحت مقوله آسیب‌های تحصیلی نام‌گذاری شده‌اند. وجود این عنصر اساسی که خود می‌تواند ناشی از عوامل متعدد باشد موجب شده است بسیاری از دانش‌آموزان ترک تحصیل کنند و یا منتظر کوچک‌ترین فرصت پیش‌آمده برای ترک مدرسه باشند.

#### \* پیامدها

#### مقوله نگرش منفی به کارکرد سواد

این مقوله بیانگر نتایج تعامل‌ها و راهبردهاست و تحت تأثیر شرایط مربوط به آن‌هاست. این مقوله شامل مؤلفه‌های ترویج بی‌فایده‌ی درس خواندن، ترویج بسندگی تحصیلات در مقاطع بالاتر، ترویج الگوی ترک تحصیل. این نگرش منفی به اشکال و صور مختلف در بین مصاحبه‌شوندگان ابراز شده است. مثلاً مصاحبه‌شوندگان ۱۸، ۱۲، ۱۵، این‌گونه بیان کرده‌اند:

" همسایه‌های زیادی هستند که درس خواندند والان دارند فرش می‌بافند یا بیکار هستند. این‌جوری من آینده خودم را می‌بینم. پس دیدم درس خواندن فایده‌ای ندارد و ترک تحصیل کردم.

" درس خواندن فایده‌ای ندارد وقتی که برادرم لیسانس گرفته و بیکار است."

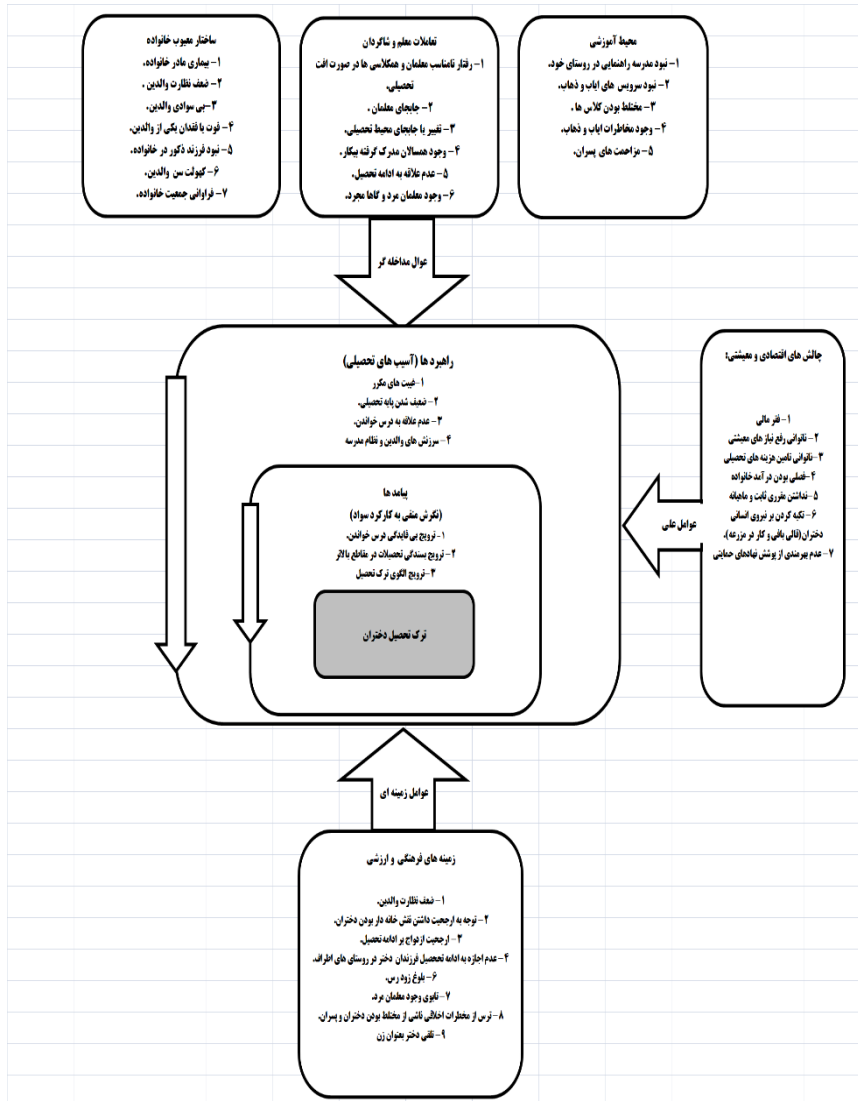
" پدرم می‌گه در روستای ما خیلی‌ها هستند که مدرک دارند والان بیکار هستند و دارند کشاورزی می‌کنند. یا دخترانی هستند که پدر و مادرشان به خاطر آن‌ها به شهر رفتند والان برگشتند و دخترشان بیکار است. درس خواندن برای ما دختران تا جایی خوب است که بی‌سواد نباشی. همین‌که بتوانی بخوانی و بنویسی کافی است."

یافته‌های این مقوله نشان می‌دهد که پدیده ترک تحصیل در سطح روستا به پیامدهایی از قبیل ترویج کفایت درس خواندن و سواد که برخی اولیا نیز به آن اعتقاد دارند و در مصاحبه‌شوندگان نیز تأثیر داشته است، منجر شده است. همچنین رخداد این پدیده به‌وفور باعث شکل‌گیری الگویی برای سایرین شده که ترک تحصیل با کمترین موانع از سوی خانواده مواجه است. بنابراین به سهولت می‌توان از

این الگو پیروی کرد. از دیگر پیامدهای این مقوله ترویج بی‌ارزشی درس خواندن یا بی‌فایده‌گی درس خواندن است. در بسیاری از اظهارات محرز بود که تقلید از افراد نسبی درجه‌یک و نیز افرادی که در سطح روستا ترک تحصیل کرده بودند، وجود داشت. لذا تقلید از این الگو از پیامدهای قابل‌توجه این مقوله است. بنابراین از آنجایی که ترک تحصیل با هیچ مانعی چه از سوی خانواده و چه از بیرون روبه‌رو نبوده است، ترک تحصیل را به همراه دارد.

#### \* ترک تحصیل، مقوله مرکزی پژوهش:

در این پژوهش بعد از سپری شدن چندین گام از جمله انجام مصاحبه‌ها، کدبندی اولیه، غربالگری، کدبندی انتخابی، نهایتاً مقوله مرکزی "ترک تحصیل دختران روستایی" انتخاب شد. بر این اساس می‌توان تمامی مقولات دیگر را در ارتباط به هسته فرض کرد. با عنایت به مقولات اشاره‌شده می‌توان مقوله مرکزی را میدان ترک تحصیل نامید. این مقوله اولاً توانایی تحلیل مقولات پیشین را دارد. چراکه چالش‌های اقتصادی و معیشتی گویای انواع چالش‌های کوچک تا بزرگ از فقر مالی گرفته تا عدم بهره‌مندی از پوشش نهادهای حمایتی می‌باشد، که اطلاق آن به این مقوله کاملاً مناسب و به‌جاست. محیط آموزشی و تعاملات معلم و شاگردان نیز گویای مسائل حاکم بر نظام آموزشی یا مدارس روستایی است. نگرش‌های فرهنگی و ارزشی نیز گویای تعصب‌های اعتقادی و به‌طور مناسب‌تری نوعی تعصب جنسیتی علیه جنسیت مؤنث است که نگرش آن‌چنانی با این جنس نداشته و کلاً جهان اجتماعی آنان را محدود به خانه و روستا می‌داند. مقوله آسیب‌های تحصیلی نیز گویای مؤثر بودن یا بحث تأثیر قرار گرفتن محرومیت یا فقر تحصیلی است. ساختار معیوب خانواده که خود آستان مشکلاتی است که به‌نوعی در ترک تحصیلی دختران مؤثر است. نهایتاً نگرش منفی به کارکرد سواد نیز نوعی آمادگی بستر نامناسب است که به ترک تحصیل اجباری یا اختیاری دختران منجر می‌شود. با توجه به یافته‌های اشاره‌شده، مدل پارادایمی ترک تحصیل دختران روستایی به شرح زیر ترسیم شده است:



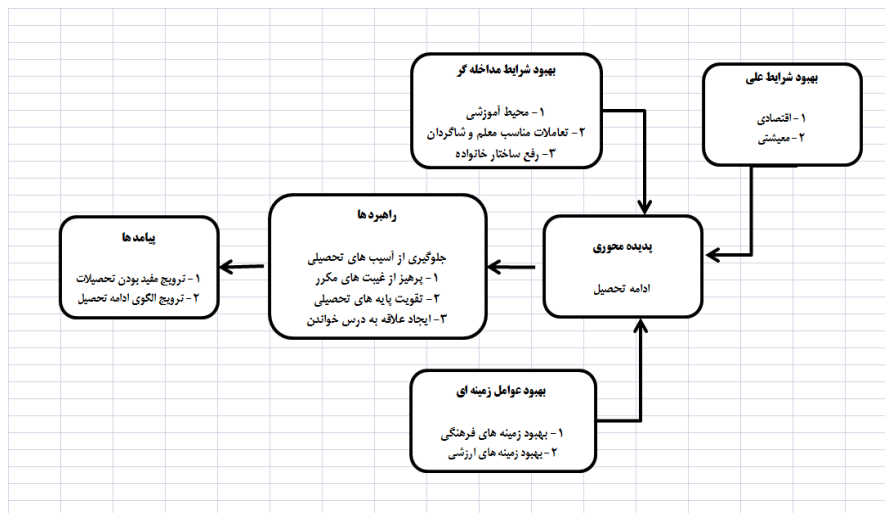
شکل ۱. مدل مفهومی مقولات و مؤلفه های مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی

## ۲. الگوی مفهومی مناسب برای جلوگیری از ترک تحصیل دختران روستایی چیست؟

برای پاسخ به این سؤال، پس از مطالعه مبانی نظری موجود، به ارتباط بین مقوله های اصلی و فرعی مربوط به مناسب سازی شرایط ادامه تحصیل دختران، در قالب مدل نهایی به شرح زیر اشاره شده است: پدیده محوری (ادامه تحصیل) عبارت از سلسله رویه هایی است که از طریق پیوند بین مقوله های اصلی و فرعی، داده ها را با یکدیگر ارتباط می دهد. این پدیده خود متأثر از شرایط علی، شرایط زمینه ای و



شرایط مداخله‌گر است. برای اینکه بتوان پدیده ادامه تحصیل دختران روستایی را بهبود بخشید باید شرایط بیان‌شده در سایر مقولات ذکر شده را نیز بهبود داد تا بتوان به راهبردهایی برای جلوگیری از آسیب‌های تحصیلی رسید. البته پیشنهادهایی در این زمینه ارائه شده است که در پایان تحقیق به آن‌ها مفصل‌تر اشاره شده است. بهبود راهبردها منجر به پیامدهایی از قبیل ترویج مفید بودن ادامه تحصیل و درنهایت ترویج الگوی ادامه تحصیل در دختران روستایی است. این نتایج منجر به ایجاد مرحله نظریه‌پرداز داده بنیاد مقوله محوری که سایر مقولات بر محور آن می‌گردند، شده است و کلیتی را تشکیل داده است که با ارتباط دادن آن با سایر مقولات به نگارش نظریه‌ای اقدام شده است که شرحی انتزاعی برای فرایندی که در پژوهش مطالعه شده است را ارائه داده است. این مدل به صورت شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۲. مدل مفهومی بهبود تحصیل دختران روستایی

### بحث و نتیجه‌گیری

داده‌های پژوهشی در خصوص گستره مفهومی، بررسی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی در این بخش بررسی و تحلیل شده است. همچنین نتایج به دست آمده برای عوامل مؤثر بر ترک تحصیل این قشر از دانش‌آموزان با نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه نیز مقایسه شده است. بنابراین هدف پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به اطلاعات عمیق از تجارب و واکنش‌ها درباره عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی و شناسایی این عوامل بود. محیط روستا آستن بسیاری از محرومیت‌ها از مشکلات اقتصادی تا انسدادهای فکری و فرهنگی است. یکی از مشکلاتی که در روستاها نسبت به شهرها بسیار زیاد به چشم می‌خورد، ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر است. هر چند

ترک تحصیلی در تمامی مقاطع رخ می‌دهد؛ اما وجود آن در اولین مقطع تحصیلی فرد موضوعی چالش آور و بغرنج است. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر دلایل ترک تحصیل دختران را می‌توان در هفت مقوله مورد بحث قرار داد:

در مقوله اول، چالش‌هایی اقتصادی و معیشتی حضور دارند. عواملی که با وضعیت ورود به زندگی بزرگسالی و اشتغال یا ازدواج دختران و صرف نظر کردن از تحصیلات عمومی یا دانشگاهی قابل طرح است. چالش‌های مانند فقر مالی، رفع نیازهای معیشتی، درآمد پایین، عدم تأمین هزینه‌های تحصیلی، نیاز خانواده، فصلی بودن درآمد خانواده از مؤلفه‌های علی این مقوله هستند که در ترک تحصیل دختران روستایی مؤثر بوده است. پژوهش (Ghavidel & Darwishi (2013 نشان داد که اثر درآمد سرانه برای مردان بیشتر از زنان است و با کاهش درآمد خانوار، احتمال ترک تحصیل پسر خانواده بیشتر از دختر است. این مسئله گرچه با عوامل اقتصادی برای دختران همخوان نیست ولی در دغدغه‌های خانه‌داری بعد از ازدواج قابل تطبیق و توجیه است. برحسب یافته‌های پژوهش (Sepidnameh et al «چالش‌های اقتصادی» به‌عنوان شرایط علی شناسایی شد که تقریباً همخوان با عوامل اقتصادی ترک تحصیل در پژوهش کنونی است. (Ada & Anyaogu (2016 دریافتند که رکود اقتصادی منفی بر ثبت نام مدارس تأثیر می‌گذارد و بسیاری از دانش‌آموزان را از مدرسه بیرون کرده و آن‌ها را به خیابان‌ها می‌کشاند. (Sekiya & Ashida (2017 معتقدند که انتظارات کم آموزش و نیاز به ورود به بازار کار، علل ترک تحصیل فوری است.

بخشی از نتایج پژوهش (Farokhinejad & Fathi (2018 حاکی از آن است که وضعیت اقتصادی ضعیف خانواده‌های دانش‌آموزان به‌عنوان علت ترک تحصیل دانش‌آموزان است. سرانجام می‌توان نتیجه گرفت که عوامل اقتصادی در تحقیق حاضر با یافته‌های (Sekiya & Ashida (2017؛ (Ada & Anyaogu (2016؛ (Sahin et al (2016؛ (Farzizadeh et al (2016 و (Ghavidel & Darwishi (2013 مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. مشابهت‌ها ناظر به اهمیت عوامل اقتصادی در شاخص‌های توسعه است که البته در محیط روستایی با توجه به نیازمندی خانواده‌های به نیروی انسانی قابل فهم است. نکته دیگری که در این تحلیل قابلیت مقایسه می‌یابد، نقش شاخص‌های توسعه اقتصادی و بازار کار در تصمیم‌گیری خانواده‌ها و تأثیرگذاری بر رفتار ترک تحصیل بر مبنای مؤلفه جنسیت است. گرچه این استدلال که با کاهش درآمد خانوار، احتمال ترک تحصیل پسر خانواده بیشتر از دختر است، اما تأثیر عوامل اقتصادی برافت تحصیلی در بین تمام دانش‌آموزان فارغ از جنسیت آنان قابل ملاحظه است.

همچنین ورود به زندگی بزرگسالی و ازدواج زودهنگام می‌تواند در ارتباط با عوامل اقتصادی نیز بر تداوم یا توقف تحصیلات دختران نقش آشکاری داشته باشد. در مقوله دوم نگرش‌های فرهنگی و ارزشی والدین قرار دارد که به‌عنوان عوامل زمینه‌ای بر پدیده‌ی ترک تحصیل در کنار عوامل علی تأثیر گذاشته است. مؤلفه‌هایی مانند ضعف نظارت والدین، توجه به ارجحیت داشتن نقش خانه‌دار بودن دختران، ارجحیت ازدواج بر ادامه تحصیل، عدم اجازه به ادامه تحصیل فرزندان دختر در روستایی‌های

اطراف، بلوغ زودرس، تابوی وجود معلمان مرد، ترس از مخاطرات اخلاقی ناشی از مختلط بودن دختران و پسران، تلقی دختر به‌عنوان زن از مؤلفه‌های هستند که افراد مورد مطالعه به آن‌ها اشاره کرده‌اند. همسو با این نتایج (Sepidnameh et al (2016) در تحقیقات خود بیان کردند که زمینه‌هایی همچون باورهای خاص فرهنگی والدین در بسیاری از خانواده‌ها، ترک تحصیل دختران را در پی داشته است. (Farzizadeh et al (2016) و (Guoda (2014) نشان دادند که عوامل ترک تحصیل عبارت‌اند از: عدم باور والدین به ضرورت تحصیل یا ادامه تحصیل دختران، تأکید بر ازدواج زودهنگام دختران، گسترش شایعات مردم به سبب خروج دختران از منزل و تبعیض میان فرزند دختر و پسر که همگی در نهادهای غیررسمی اجتماع محلی ریشه دارند. عوامل فرهنگی و اجتماعی والدین در تحقیقات دیگری نظیر (Aqdasi & Zinalfam (2012) مورد اشاره قرار گرفته است.

بخشی از نتایج پژوهش (Farokhinejad & Fathi (2018) حاکی از آن است که بی‌سوادی والدین، و بعضی فرهنگ‌های بومی منطقه مثل ازدواج زودهنگام دختران به‌مثابه علل اصلی ترک تحصیل دانش‌آموزان است لذا با توسعه آموزش و آگاهی‌های خانواده‌ها و فرهنگ‌سازی می‌توان به توسعه روستایی متناسب با اهداف و مقاصد آموزشی نائل آمد تا از تمام ظرفیت‌های انسانی به نحو مطلوب بهره‌برداری گردد. دسته سوم مقولاتی هستند که تحت عنوان محیط آموزشی، تعاملات معلم و شاگردان و ساختار معیوب خانواده، به‌عنوان عوامل مداخله‌گر نیز بر پدیده ترک تحصیل دختران روستایی در کنار عوامل علی و زمینه‌ای تأثیر گذاشته است. مسائلی از قبیل: نبود مدرسه یا فضای آموزشی مجزا در مقاطع بالا، نبود سرویس‌های ایاب و ذهاب، وجود مخاطرات ایاب و ذهاب، دوری مسافت مدرسه و خانه، رفتار نامناسب معلمان و همکلاسی‌ها در صورت افت تحصیلی، جابجایی معلمان، تغییر یا جابجای محیط تحصیلی، وجود همسالان مدرک گرفته بیکار، عدم علاقه به ادامه تحصیل، وجود معلمان مرد و گاه مجرد، دوری مسافت مدرسه و خانه، بیماری مادر خانواده، ضعف نظارت والدین، بی‌سوادی والدین، فوت یا فقدان یکی از والدین، نبود فرزند ذکور در خانواده، کهولت سن والدین، فراوانی جمعیت خانواده از مؤلفه‌های تأثیرگذار در ترک تحصیل دختران روستایی می‌باشند. مسائل مرتبط با این مقوله در تحقیقات مختلفی از جمله (Ada & Anyaogu (2016) و (Jana et al (2014) مبنی بر مقاومت والدین و عدم توجه کافی به درس خواندن دختران، (2014) (Farokhinejad & Fathi (2018) و (Farzizadeh et al (2016) مبنی بر تأثیر بی‌سوادی والدین، (Sepidnameh et al (2016) مبنی بر تأثیر فضای آموزشی و کژسامانی خانواده مورد اشاره قرار گرفته است. بنابراین فراهم کردن فضاهای آموزشی متناسب با استانداردهای برنامه‌ریزان آموزشی می‌تواند با حل مسائل موجود در دسترسی دختران به محیط‌های آموزشی، در نهایت بسترهای آموزش روستایی را در مسیر توسعه، تسهیل خواهد کرد. بنابراین یافته‌های این تحقیق با نتایج حاصل از یافته‌های تحقیقات اشاره شده همسویی دارد.

از نتایج دیگر این تحقیق مقوله آسیب‌های تحصیلی می‌باشد. در واقع این مقوله حاصل تعامل مقوله‌های علی، مداخله‌گر و زمینه‌گر است. این تعاملات دختران را به راهبردهایی از قبیل؛ غیبت‌های مکرر، ضعف پایه تحصیلی، عدم علاقه به ادامه تحصیل و سرزنش‌های والدین و نظام مدرسه که انفعال در مقابل یادگیری یا ضعف پایه سوق داده است. بنابراین تعامل مقوله‌های قبلی باعث استراتژی‌هایی در دختران شده که دید منفعلانه به تحصیل داشته باشند. همسو با این نتایج (Farzizadeh et al (2016 بیان می‌دارند که عدم تناسب آموزش‌های ارائه‌شده باعث بی‌علاقگی به تحصیل می‌شود.

مقوله‌ی پایانی این تحقیق پیامدها هستند. این پیامدها مانند: ترویج بسندگی تحصیلات، ترویج بی‌فایده‌ی درس خواندن و درنهایت ترویج الگوی ترک تحصیل، می‌باشند. یافته‌های این پژوهش با نتایج، (Sepidnameh et al (2016 همخوانی دارد. عدم تناسب آموزش‌های ارائه‌شده در مدارس با ظرفیت‌ها و استعدادها و وجودی افراد و تناسب کم مطالب آموزشی با نیازهای آن‌ها در زندگی روزمره موجب بی‌علاقگی به تحصیل، تقویت باور به عدم سودمندی آن و تثبیت هنجارهای ممانعت‌کننده از تحصیل را موجب می‌شوند.

بنابراین، با توجه به مقولات به‌دست‌آمده، مقوله مرکزی ترک تحصیل دختران روستایی شکل می‌گیرد. در این مطالعه؛ ریشه ترک تحصیل دختران روستایی را نه در یک علت واحد و منحصر به فرد، بلکه در تعامل و کنش سایر مقولات باید جستجو کرد. این تعامل و تأثیرپذیری به‌خوبی در مقوله مرکزی که به‌مثابه میدانی برای ترک تحصیل که حاوی چنین قرائتی از در هم تنیدگی و تعامل سایر مقولات و مؤلفه‌هاست که در کنار هم به‌خوبی به تأثیرات آن‌ها اشاره‌شده است. برای درک چرایی ترک تحصیل یا به‌عبارت‌دیگر ترک مدرسه می‌توان گفت محیط مدرسه به‌خودی‌خود بی‌معناست. بلکه توجه به وضعیت معیشتی خانواده‌ها، نظام فرهنگی و ارزشی آن‌ها و تعاملات این عوامل باهم لازم و ملزوم یکدیگرند. محیط یادگیری در روستا محیطی کوچکی از است و تعاملات مختلف در آن چشمگیرتر است. بنابراین نظام آموزشی در رأس آن معلم باید بتواند به‌عنوان سازوکار آرام‌بخش عمل نماید؛ اگر نظام آموزشی نتواند تعاملات مناسبی را با مقولات معیشتی و فرهنگی و ارزشی اهالی روستا پیدا نکند و در رفع آن شرایط به‌نوبه خود قدم بردارد، نظام آموزشی برای دانش‌آموزان پایین‌هرم و وضعیت معیشتی و فرهنگی و ارزشی و دیگر شرایط در رأس هرم، غریبه، تکراری و خسته‌کننده می‌شود. در اینجاست که دانش‌آموزان این مقاطع در این دوره حساس سنی، عزم بر ترک تحصیل می‌کنند. همچنین نتایج به‌دست‌آمده را می‌توان به نظریات زنان در توسعه، دیدگاه جنسیت و توسعه، برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان مطرح‌شده در ادبیات پژوهش مرتبط ساخت. به‌طورکلی پژوهش درباره عوامل و ریشه‌یابی دلایل ترک تحصیل دختران دانش‌آموز روستایی از این جهت اهمیت دارد که پوشش تحصیلی نسبتاً برابر دختران و پسران می‌تواند میزان دسترسی به آگاهی و سوادآموزی را به‌ویژه در جوامع در حال توسعه و مناطق محروم روستایی تحقق بخشد و میزانی برای دستیابی به اهداف عدالت آموزشی و توسعه آموزش در روستاها و مناطق کم‌برخوردار باشد. این اهمیت توسط سازمان‌ها و

نهادهای بین‌المللی همچون یونسکو به خوبی درک شده است و بحث‌های زیادی درباره نظریات مبتنی بر برابری جنسیتی و منافع آموزشی آن شده است. بنابراین برای جلوگیری از ترک تحصیل دختران که سرمایه‌های اجتماعی جامعه هستند، علاوه بر توجه به علت‌های احصاء شده، پیشنهادهای ذیل مبتنی بر یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود:

۱- استفاده از تمام امکانات تبلیغی و تشویقی جهت جلب دختران روستایی بازمانده از تحصیل، نظیر اجرای صحیح برنامه تغذیه رایگان، استفاده از نفوذ روحانیان و متنفذان روستا، دادن کمک‌هزینه تحصیلی به کودکان بی‌بضاعت، تشکیل مدارس شبانه‌روزی در مناطق روستایی یا دورافتاده، ارائه سرویس‌های رفت‌وآمد برای دانش‌آموزان.

۲- وزارت آموزش و پرورش جهت پیشگیری از ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر تجهیزات آموزشی امکانات متناسب با نیاز دانش‌آموزان دختر به خصوص در مناطق محروم فراهم نمایند و نیازهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری را مرتفع سازد.

۳- ایجاد مدارس راهنمایی و دبیرستان دخترانه در روستاها یا حداقل در یک روستا برای دانش‌آموزان دختر روستاهای اطراف آن به صورت شبانه‌روزی می‌تواند مؤثر در جلوگیری از ترک تحصیل دختران روستا باشد.

۴- سازمان آموزش و پرورش جهت پیشگیری از ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر در نزدیک‌ترین محل به محیط زندگی دانش‌آموزان و متناسب با نیاز آن‌ها فضای فیزیکی و دیگر نیازمندی‌های آموزشی آن‌ها را فراهم سازد.

۵- جدی گرفتن برنامه آموزش خانواده و برنامه‌ریزی برای اجرای صحیح آن و تلاش برای ارتقاء سطح فرهنگ و دانش آن‌ها و ایجاد نگرش مطلوب با استفاده از کارشناسان و نیروهای کارآمد موجود در منطقه و تعیین موضوعات متناسب با شرایط و اولویت‌های مدارس خود.

۶- معرفی مشکلات رفتاری دانش‌آموزان و آموزش راه‌های مواجهه‌شدن با آن به خانواده‌ها از طریق کلاس‌های آموزش خانواده و آشنا کردن اولیا دانش‌آموزان با مسائل روانشناسی و نحوه برخورد با دانش‌آموزان.

۷- تقویت ارتباط صحیح خانه و مدرسه و تعامل اولیای مدرسه و خانه و ارائه اطلاعات لازم به اولیا.

۸- به‌کارگیری معلمان بومی و زنان در مناطق روستایی به منظور جلب اعتماد مردم به مدارس.

۹- در نظر داشتن شرایط اقلیمی و فرهنگی مناطق در تدوین محتوای برنامه‌های درسی جهت جذب بیشتر افراد واجب‌تعلیم و کاربردی ساختن محتوای برنامه‌ها و نیز هماهنگ ساختن سال تحصیلی با الزامات شغلی در مناطق روستایی جهت رفع محرومیت حضور دختران و پسران لازم‌التعلیم در مدارس.

۱۰- توزیع عادلانه امکانات و منابع و هزینه سرانه بر اساس ملاک‌های محرومیت هر یک از مناطق، علاوه بر ملاک تعداد دانش‌آموز و نیز تعیین تراکم دانش‌آموزی در هر منطقه توسط اداره متبوع بر اساس ملاک محرومیت.

## References

- Abid, S, Mohd, D., & Afa, M. (2014). A Study of Drop-out rate in Primary Schools of Poonch District of Jammu and Kashmir. *International Journal of Multidisciplinary Research and Development*. 1(7): 226-230.
- Ada, L. E., & Anyaogu, B. E. (2016). Economic Recession, Hawking and Students Drop out of School in the Five Eastern States of Nigeria. *International Journal of Social Sciences and Management Research*. 2(2): 14-21.
- Aghdasi, A., & Zinalfam, A. (2012). Effective Social and Environmental Factors on Student Abandonment (Survivors) in high school students of Miandoab City in the academic year of 90-89. *Quarterly Journal of Instruction and Evaluation*. 1 (17): 130-113. [In Persian].
- Arefi, M. (2004). Identifying the variables affecting early school leavers' dropout. *Journal of Woman in development and politics*. 2 (3): 161-147. [In Persian].
- Asadzadeh et al. (2017). Investigating the role of employment and education of women on economic growth in Iran. *Women in Development and Politics*. 15(3): 359-381. [In Persian].
- Aydemirozkeskinb, E., & Aydın, A. (2015). A theoretical framework on open and distance learning. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 174 (2015) 1750 – 1757.
- Azkiya, M., Astaneh, A., & Motamedi, F. (2016). Applied research methods. *Kayhan Publishing House, Tehran*. [In Persian].
- Banifatemeh, H., Mohammaditlavar, S., & Nozari, H. (2017). With the semantic reconstruction of the role and position of women in small and medium-sized households (Case Study: Family Economic Firms in Tehran). *Journal of Women in Development and Politics*. 15(4): 521-499. [In Persian].
- Eman, M., & Noushadi, M. (2011). Qualitative Content Analysis. *Quarterly Journal of Research*. 3 (2): 44-15. [In Persian].
- Farokhinejad, P., & Fathi, V. (2018). Study of the reasons for leaving school students in Masumeh's girlfriend's school. *Quarterly Journal of Psychology and Educational Sciences*. 3 (33): 75-69. [In Persian].
- Amenaghai, M., & moshtaghyan. (2014). Gender Justice and Sustainable Human Development. *Presidential Strategic Review Center*. [In Persian].
- Farzzizadeh, Z., Taliba, M., & Motavasali, M. (2017). Study of educational obstacles of rural girls (qualitative research). *Quarterly Journal of Education*. 8 (129): 134-115.
- Irna.ir. (2018). 8% of high school students dropped out of Kurdistan. <https://www.irna.ir/news/>. [In Persian].
- Jana, M., Khan, A., Chatterjee, S., Sar, N., & Das, A. (2014). Dropout Rate at Elementary Level in Two Primary Schools of Backward Area, Paschim Medinipur, West Bengal: A Comparative Approach. *American Journal of Educational Research*, 2(12), 1288-1297.
- Lee, T., Cornell, D., Gregory, A., & Fan, X. (2011). High suspension schools and dropout rates for black and white students. *Education and Treatment of Children*, 34(2): 167-192.
- Mashayekh, F. (2008). Educational Planning Process. UNESCO Advisers Group, Seventh Edition, *Tehran: School Publications*. [In Persian].

- Ministry of Education. (2016). Towards lifelong teaching and learning with quality, equality and inclusiveness for all. *UNESCO National Commission*, Tehran. [In Persian].
- Mehran, G. (2006). Study the causes of girls' dropout in elementary education in the Middle East and North Africa region, especially in Iran. *Quarterly Journal of Education*. (2) 12: 42-9. [In Persian].
- Melissa, A., & Miguel, S. (2015). School Dropout in Central America An Overview of Trends, Causes, Consequences, and Promising Interventions. *Policy Research Working Paper*, 7561.
- PacraVan, B. (2017). What are the opportunities and barriers for women's participation in the development of the country? *Tejaret Farda*, (239): 15-1. [In Persian].
- Qavidl, S., & Darwishi, F. (2013). The Effect of Human Development on Student's Graduation (Inter-provincial Study in Iran). *Quarterly Journal of Applied Economic Studies*. 1 (8): 178-161. [In Persian].
- Gouda, M., & Sateesh, S. (2014). Factors Leading to School Dropouts in India: An Analysis of National Family Health Survey-3 Data, IOSR. *International Journal of Research & Method in Education*. 4(6):75-83
- Gul, R., & Ali, A. (2013). Causes of Dropout Rate in Government High Schools (Male). *Indian Journal of Education and Information Management*. 2(1): 566-572.
- Joubish, M. F., & Muhammaashraf, K. (2011). Determining the Factors Influencing the Drop out in Government Primary Schools of Karachi. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 7 (3): 417-420.
- Rah Dana Network (2016). The dropout statistics are still tremendous and impressive; Is the marriage of the Muslim education system considered an abandoned education? *The network of information network is Dana*. (<http://dana.ir>). [In Persian].
- Rodriguez-Modroño, P. Galvez-Munoz, L., & Agenjo-Calderón, A. (2016). The Hidden Role of Women in Family Firms. *Working Papers in History & Economic Institutions* <http://www.upo.es/serv/bib/wphaei/haei>.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. 2nded. *Sage Publications*, Thousand Oaks, CA, U.
- Şahin, Ş., Zeynep, A., & Abdurrahman, Kılıç. (2016). Causes of Student Absenteeism and School Dropouts. *International Journal of Instruction*. 9 (1): 195-210.
- Sekiya, T., & Ashida, A. (2017). An Analysis of Primary School Dropout Patterns in Honduras. *Journal of Latinos and Education*, 16(1): 65-73.
- Sepidnameh, B., Momeni, H., & Solomonnezhad, M. (2016). Identifying the reasons for leaving school students in the Moussian education district (rural areas). *Journal of Community Development (Rural and Urban Communities)*. 1 (14): 198-167. [In Persian].
- Shahidul, S., & Karim, Z. (2015). Factors contributing to school dropout among the girls: A review of literature. *European Journal of research and reflection in educational sciences*. 3(2): 1-15.
- Shirkrami, J., & Bakhtiyarpour, S. (2014). Evaluating Inequalities in Access to Educational Opportunities: A case study of the primary school of Dehloran in 2011-

- 2011 academic year. *Quarterly Journal of Education and Research*, 7(26): 58-41. [In Persian].
- Shirzadi, R., & sozanishirvani, S. (2012). Gender Considerations in Five-Year Development Plans of Iran, *Quarterly Journal of Political Science*. 8(21): 151-173. [In Persian].
- Torani, H., & Arefnejad, S. (2017). Investigating barriers and methods of attracting school dropouts in rural areas and Nomadic. *Quarterly Journal of Education*. 33(4): 31-48. [In Persian].
- UNICEF, (2017). Women's Education and Empowerment. The Situation of Girls and Women in Iran. <https://www.unicef.org/iran/fa/education>.
- UNICEF. (2006). The state of the world's children 2007. *women and children: the double dividend of gender equality*. 7. Unicef.
- Walby, S. (2005). Gender Mainstreaming: Productive tensions in theory and practice; *Social Politics*. 12(3):321-343.
- West, A. (2012). Education in schools. In Pete Alak, Margaret M. and Karen Rawlsson, Social Policy Reference (Vol. II). Translation by Ali Akbar Taj Mazinani, Mohsen Ghasemi and Morteza Golich. *Tehran: Imam Sadiq University*. [In Persian].